

امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن

سید اسماعیل حسینی اجداد*: استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان
سیده اکرم رخشنده‌نیا: استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۱۴ - ۱۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۳/۷

چکیده

در قرآن کریم، آیات زیادی بر امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند؛ بعضی از این آیات به طور صریح و آمرانه و بعضی به طور غیرمستقیم و ارشادگرایانه به رواج این دو آموزه‌ی دینی می‌پردازند. با مطالعه کتب حدیث درمی‌یابیم که بیانات ائمه‌ی هدی (ع) درباره‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر؛ ترجمان وحی و تفسیر قرآن کریم و در راستای مضامین و اهداف قرآنی است.

شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر در همه افراد جمع نمی‌شود، بلکه بعضی از مردم صلاحیت اقامه آن را دارند. هر چند همه مردم مخاطب آن هستند، ولی به آن مأمور نیستند و این شروط جز در «معصوم» و گروه مؤمنان جمع نمی‌شود.

از مهم‌ترین فرضیه‌های این تحقیق آن است که آیا در حکومت اسلامی فقط صاحبان قدرت و ابزارهای قدرت‌مند باید امر به معروف و نهی از منکر نمایند؟ با توجه به یافته‌های مقاله، به این باور رسیدیم که انجام این دو فریضه توسط آحاد مؤمنین نه تنها باعث هرج و مرج و آشوب‌طلبی نمی‌شود، بلکه باعث استحکام پایه‌ها و باورهای اسلامی می‌شود و در تربیت عمومی جامعه بسیار تأثیرگذار است؛ همچنین عدم تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مخاطب، نمی‌تواند بهانه و توجیهی برای ترک این عمل باشد.

کلید واژه‌ها: قرآن، امر به معروف، نهی از منکر، تربیت اجتماعی.

۱- مقدمه

بشر از دیرباز، برای حفظ زندگی اجتماعی و جلوگیری از زوال آن به یک سری قوانین و مقرراتی روی آورد تا بدین سبب مانع هرج و مرج در جامعه گردد. جوامع بشری در برابر هنجارشکنی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در راستای بقای خود باید از مقرراتی بهره ببرند. چرا که مقررات و ضوابط جامعه بشری مانع تخلف از ارزش‌ها و اعتقادات اجتماعی می‌شود. هرگاه افراد یا گروه‌هایی بخواهند ارزش‌های زندگی اجتماعی را نادیده بگیرند، بخشی از قدرت جامعه، تحت عنوان نیروهای امنیتی و انتظامی، با جلوگیری آنان از اعتقادات و ارزش‌های عمومی جامعه دفاع می‌کنند. این موارد اصول و مبانی نظارت اجتماعی را شامل می‌شود. ضرورت این نظارت برای حفظ موجودیت اجتماع، قسمتی از تئوری جامعه‌شناسان است؛ به همین سبب امر به معروف و نهی از منکر به شکل عام و گسترده، اساسی‌ترین و کارآمدترین شیوه برای نظارت اجتماعی محسوب می‌شود.

در مباحث اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه‌ی اساسی برای نظارت عمومی در جامعه است. این دو، جزء فروع دین و ضروریات لاینفک دین مبین اسلام هستند، و به علت احکام و مضامین مشترکیشان، غالباً در قرآن و احادیث معصومین (ع) در کنار هم بحث می‌شوند.

از مجموعه‌ی آیات و روایات می‌توان برداشت کرد که دین اسلام با استفاده از این دو فروع دینی می‌خواهد افراد جامعه را طوری تربیت کند که همه انسان‌ها نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت نمایند تا در مسیر اهداف و تعالی رشد انسانی حرکت کنند؛ چرا که مصالح دنیوی و اخروی مسلمانان به جهت ارتباط با یکدیگر براساس امر به معروف و نهی از منکر بسیار چشم‌گیر می‌باشد.

۱-۱- فرضیات و روش تحقیق

این مقاله با روش کتابخانه‌ای و با تجزیه و تحلیل بعضی از آیات و احادیث سعی دارد این نظر که فقط قدرت و افرادی ویژه و وابسته به حکومت اسلامی باید امر به معروف و نهی از منکر نمایند؛ را رد کند. نگارنده درصدد اثبات این فرضیه است؛ که در آموزه امر به معروف و نهی از منکر، انجام این دو فریضه توسط انظار عمومی و آحاد مؤمنین نه تنها باعث هرج و مرج و آشوب‌طلبی نمی‌شود، بلکه موجب استحکام پایه‌های حکومت اسلامی نیز می‌گردد و در تربیت اجتماع بسیار مؤثر است.

۱-۲- اهمیت موضوع

انسان به عنوان موجودی بافرهنگ برای حفظ روابط اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی، از طرق مختلف پدیده نظم اجتماعی را سامان می‌دهد؛ بنابراین هرگاه ارزش‌های اجتماعی، قواعد رفتاری و هنجاری رعایت نشود، نظم اجتماعی آسیب می‌بیند. این امر منجر به شکل‌گیری انحرافات و کج روی اجتماعی می‌شود. جوامع بشری همواره در گرداب انحرافات اخلاقی و اجتماعی فرورفته‌اند و باعث زوال درونی خود شده‌اند.

انحرافات یا کجروی در جامعه‌شناسی غالباً «انحرافات اجتماعی» نامیده می‌شود؛ «شیوه‌های رفتاری که

برخلاف وفاق جامعه است. و عدم همنوایی با یک هنجار یا مجموعه‌ای از هنجارهایی که مورد قبول اکثریت اعضای یک جامعه است، را می‌توان انحراف اجتماعی نامید. «(احمدی، ۱۳۸۷: ۴)؛ به‌طور کلی، انحراف پدیده‌ای اجتماعی است که هیچ شیوه‌ی مطلق یا جهانی برای تعریف آن وجود ندارد؛ چرا که انحرافات اجتماعی در ارتباط با زمان، مکان و موقعیت اجتماعی افراد و ایدئولوژی‌های مختلف مادامی که از سرچشمه و منبع وحی الهی سرازیر نشده باشد، نسبی است. از منظر حقوقی، انحرافات اجتماعی «عملی است که به وسیله‌ی قانون منع شده و مرتکب آن طبق قانون کیفر می‌بیند.» (شیخاوندی، ۱۳۷۳: ۴۸)؛ حال اگر در جامعه اسلامی، همه اقشار جامعه به صورت زبانی مانع انحرافات گردند، و در این راستا امر به معروف و نهی از منکر نمایند، رواج منکر به حداقل می‌رسد.

۲- جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

جامعه‌شناسان یکی از کارکردهای دین را نظارت و کنترل اجتماعی قلمداد می‌کنند و بر این باورند که «دین از طریق تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مهم و مسئول دانستن انسان‌ها در سرنوشت مشترک‌شان، نقش مهمی در کنترل اجتماعی ایفاء می‌کند.» (کورز، ۱۳۸۰: ۲۰۰) امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو اصل اصلاح‌جویی و مبارزه دایم با فساد، شالوده اصلی و اساسی تربیتی اسلام است، که افراد را به مشارکت اجتماعی و نظارت و کنترل اجتماعی ملزم می‌کند. در قرآن آیات زیادی وجود دارند، که دلالت بر امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ بعضی از این آیات به صراحت و به‌طور آمرانه در این زمینه تأکید دارند؛ و بعضی به‌طور غیرمستقیم و ارشادگرایانه به رواج این دو آموزه‌ی دینی می‌پردازند؛ که ما به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۲-۱- «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان رستگارانند.» (آل عمران/۱۰۴).

همان‌طور که در نزد علمای نحو مشهور است، «مِن» در این آیه «تبعضیه» می‌باشد (محلّی و سیوطی، ۱۴۱۶ق: ج ۱: ۶۶)؛ یعنی بعضی از افراد باید امر به معروف انجام دهند.

از امام صادق (ع) درباره این آیه سؤال شد که آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه امت - بر طبق معنای ظاهری آیه- واجب است؟ ایشان فرمودند: نه؛ بلکه این عمل بر شخصی که قومی فرمانش را ببرند، میسر می‌شود. این دستور قرآنی خاص است که عمومیت ندارد (عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ۱، ۳۸۰)؛ چنانچه خداوند فرمود: «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ...: بعضی از قوم موسی به حق هدایت می‌کنند.» (اعراف/۱۵۹) و فرمود: «علی قوم موسی» «یعنی همه آن قوم» که در این صورت به همه افراد واجب می‌گشت. (کلینی، ۱۳۶۵: ۵، ۵۹؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۱۸۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۱۲۶ و طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۷۷).

بعضی دیگر از مفسرین بر اساس حدیثی از امام باقر (ع) معنای امر به معروف را بسیار ویژه می‌دانند؛ و آن

را در اختیار افرادی خاص قرار می‌دهند؛ و معتقدند: این آیه متعلق به آل محمد(ص) و تابعین آن‌هاست که به خیر دعوت می‌کنند؛ و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۰۸).

اما برخی از علمای تفسیر «من» را در آیه مذکور «بیانیه» می‌دانند و استدلال به «بعضیه» را صحیح نمی‌دانند؛ در این صورت وجوب امر به معروف و نهی از منکر فراگیر می‌شود. به عبارت دیگر هر کس که علم به امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد و شرایط آن را بداند، بر او واجب می‌شود. (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۳۵۸) اما، علامه طباطبایی (ره) معتقد است که بحث درباره‌ی بیانیه یا تبعیضیه بودن «من» فایده چندانی ندارد؛ چراکه در هر صورت آیه بر وجوب کفایی دلالت خواهد داشت. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۳۷۳).

۲-۲- «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ: مردم مؤمن از مردان و زنان، بعضی از آن‌ها اولیای بعضی دیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند، خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند و آن‌ها کسانی هستند که خداوند بر آن‌ها رحمت خواهد فرستاد. به درستی که خداوند عزیز و حکیم است.» (توبه/۷۱).

نظرات و تفسیرهای مختلفی در ذیل این آیه ذکر شده است که اکثراً دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد. (طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۵۷ و ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۸۷)؛ حتی بعضی از علماء معتقدند بر اساس این آیه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مؤمنان است؛ و در این مورد هیچ اختلاف نظری وجود ندارد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸، ج ۲: ۱۸۷)؛ بنابراین ظاهر آیه و خطاب آن به همه مؤمنان است؛ به طوری که مؤمنان بسان تکلیف به روزه در آیه: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره/۱۸۳)، همگی مکلف شده‌اند که امر به معروف و نهی از منکر را برپا دارند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۵: ۲۰۴) و در مسیر تحقق آرمان‌های آن بکوشند؛ و تنها در این صورت است که جامعه اسلامی و اهداف متعالی آن استوار می‌شود.

۲-۳- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ: شما بهترین امتی هستید که از میان مردم انتخاب شده‌اند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، برای آن‌ها بهتر است. فقط بعضی از آن‌ها ایمان دارند و بیشتر آن‌ها فاسق هستند.» (آل عمران/۱۱۰).

این آیه نیز در زمره آیات قرآنی است که بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد. مقرون شدن امر به معروف و نهی از منکر با ایمان به خدا دلالت بر وجوب آن دارد. همچنان که در آیه‌ی: «يَا بَنِي آدَمُ خُذُوا الصَّلَاةَ وَامْرُؤًا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (لقمان/۱۷) قرین شدن امر به معروف و نهی از منکر با اقامه نماز، دلالت بر وجوب آن دارد. (مفید، ۱۴۱۳: ۸۰۸).

شرط اقامه امر به معروف و نهی از منکر در همه افراد جمع نمی‌شود؛ بلکه بعضی از مردم صلاحیت اقامه آن را دارند. هر چند همه مردم مخاطب آن هستند، ولی همگی به آن مأمور نیستند و این شروط جز در «معصوم» جمع نمی‌شود. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱۲۶)؛ مسلماً مراد از بهترین امت این نیست که

حکومت‌های آغازین اسلامی و مردمان آن‌ها بهترین امت بودند، چرا که کشتن وصی خدا(ع) و واگذاشتن او و حوادث خونین کربلا، این وهم را برای همه روشن می‌کند و فلسفه تأویل «خیر امة» به «خیر ائمة» در کلام ائمه اطهار نیز در همین راستا بوده است. (حلی، ۱۴۰۹: ۱۰۷ و قمی، ۱۴۰۱، ج: ۱، ۱۰ و ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج: ۴: ۱۳۰).

به همین سبب اقامه صحیح و همه‌جانبه امر به معروف و نهی از منکر با وجود قدرت، فقط در زمان امام معصوم امکان‌پذیر است: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...: کسانی که اگر در زمین به آنان قدرت دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.» (حج/۴۱) از این‌رو اکثر کتب تفسیری منظور از قدرت و برپایی همه‌جانبه امر به معروف و نهی از منکر را در زمان حضرت مهدی(عج) می‌دانند. (کوفی، ۱۴۱۰: ۲۷۳ و حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ج: ۱، ۵۲۳).

بنابراین رسالت امر به معروف و نهی از منکر به سبب تغییر جامعه بر اساس هدایت الله است؛ چرا که خداوند با این دستور، فضای هدایت جامعه را برای بندگانش ترسیم می‌کند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج: ۶: ۲۱۴). افراد یک اجتماع سالم، همانند اعضای یک بدن، در مسیر حیات اجتماعی و سازمان‌دادن به زندگی صحیح انسانی سهیم و شریکند و هیچ‌یک از آنان نمی‌توانند خود را در قبال سود و ضررهای اجتماعی بی‌تفاوت نشان داده و به تبع آن عکس‌العملی نشان ندهند. این‌جاست که مسأله امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی) ضرورت پیدا می‌کند و موقعیت اساسی و بنیادی آن در صحنه حیات انسان خود را نشان می‌دهد.

ایندو آموزه، جزء اصول پذیرفته‌شده همه اقوام و ملل است؛ زیرا در بردارنده منافع انسان‌ها و منطبق با عقل و فطرت است. از آنجا که افراد یک جامعه سالم مانند اعضای بدن انسان، در راه زندگی اجتماعی و ایجاد حیات صحیح انسانی صحیح و شریک می‌باشند و هیچ‌یک از آنها نمی‌توانند در برابر قوت‌ها و کاستی‌های جامعه بی‌تفاوت باشند، مسأله نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) برای جلوگیری از فساد و سوق جامعه به سوی اصلاح، ضرورت می‌یابد؛ چرا که «هزاران گونه دگرگونی و فساد و عقب‌ماندگی و شرور شناخته‌شده و ناشناخته برای جوامع اسلامی و ملل دیگر از نادیده-گرفتن این آموزه، مایه گرفته است؛ امری که در صورت رعایت جوانب الهی آن، مسلمانان را پیوسته در حال انقلاب فکری و تحول و تکامل و هماهنگی نگه می‌دارد» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج: ۵: ۲۸۴).

از سوی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، فرآیند ایجاد شناخت و شکل‌دهی بایدها و نبایدهاست. ایجاد شناخت و آگاهی نسبت به معروف (ارزش‌ها) و فواید عمل به آن‌ها و بدست‌آوردن بینش صحیح نسبت به منکرات یا همان عوامل تهدید ارزش‌ها و آسیب‌های آن در ساختار اجتماع می‌باشد. این شناخت که صفت برانگیزاننده و محرک بودن را در خود دارد، باعث بیدارشدن میل یا ذوق فطری انسان‌ها در جذب نیکی‌ها و طرد بدی‌ها و صیانت از هنجارهای مقبول و هم‌نوایی اعضای جامعه در این امر می‌شود. به این ترتیب، امر به معروف و نهی از منکر با شناختی که در افراد جامعه نسبت به نیکی‌ها و بدی‌ها ایجاد می‌کند به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه و تحقق امنیت اجتماعی یاری می‌رساند.

«بنابراین امر به معروف و نهی از منکر برای حفظ زندگی بشر امر مثبتی تلقی می‌گردد. چون با ممانعت در برابر شر و تشویق به خیر، جامعه را از عوامل فساد حفظ می‌کند. این کار، علی‌رغم سختی‌های آن برای قوام جامعه‌ی سالم و اجرای فرامین الهی ضروری است» (قطب، ۱۴۱۲ق: ۱، ۴۷۷). بنابراین از دید قرآن و روایات، امر به معروف و نهی از منکر ضامن بقای جامعه و ترک این دو سبب هلاک و نابودی جوامع است.

۳- امر به معروف و نهی از منکر در احادیث

آسیب‌های اجتماعی یکی از پدیده‌هایی است که در تمامی جوامع و در تمام دوران وجود داشته و برخورد با آن‌ها در جوامع مختلف، متفاوت بوده است؛ اما، یکی از بنیادی‌ترین مسائل در پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی توجه به موضوع فرهنگ جوامع و بومی‌سازی شیوه‌های اتخاذشده در تمامی عرصه‌هاست. یکی از راه‌های مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در کشور ما؛ توجه به آموزه‌های دینی است. (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۲۲).

با مطالعه در آیات قرآنی و متون اسلامی درمی‌یابیم که بیانات معصومین (ع)، ترجمان وحی و تفسیر قرآن کریم است؛ با توجه به این مطلب، به ذکر بعضی از احادیثی که در زمینه این دو فریضه‌ی الهی بیان شده اکتفا می‌کنیم:

پیامبر اکرم (ص) بعد از ایمان به خدا و صله‌ی رحم، این دو فریضه را جزء برترین اعمال در نزد خدا ذکر نمودند. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۷۶؛ و البرقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۹۱ و طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۶۷) و بیان فرمودند که هر کس به انجام این دو عمل مبادرت ورزد، جانشین خدا و رسولش در روی زمین است. (طبرسی، بی‌تا، ج ۳: ۴۸۶).

پیامبر (ص) در رابطه با اهمیت امر به معروف و نهی از منکر بیان فرمودند که آیا به شما درباره کسانی خبر دهم که جزء شهدا و انبیا نیستند، ولی مردم به مقام و جایگاه آنان در پیش خدا که بر منبرهایی از نور هستند، غبطه می‌خورند؛ سؤال شد که آنان چه کسانی هستند. ایشان (ص) فرمودند: آنان کسانی هستند که بندگان خدا را محبوب خدا و خدا را محبوب بندگانش می‌گردانند. سؤال شد: معنای محبوب‌گردانیدن خدا در نزد بندگانش معلوم است؛ اما چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می‌گردانند؟ پیامبر (ص) در جواب فرمود: به چیزی که خداوند متعال دوست دارد، دعوت می‌کنند و از چیزی که خداوند بدش می‌آید، نهی می‌کنند. پس هنگامی که بندگان خدا، او را اطاعت می‌کنند، محبوب خدا می‌گردند و خداوند متعال آنان را دوست می‌دارد. (نوری، ۱۴۰۸، ۲: ۱۸۲).

امام علی (ع) نیز ضمن تشویق مردم به انجام این دو فریضه، فرمودند که امر به معروف و نهی از منکر نه مرگ کسی را نزدیک می‌سازد و نه از روزی کسی می‌کاهد؛ ولی پاداش را دو چندان و اجر را بزرگ می‌گرداند و بهتر از این دو، آن سخنی است که در راه خدا و در مسیر دفاع از عدالت در برابر پیشوای ستمگری گفته شود. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۷ و قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۶)؛ چرا که اجرای این فریضه پشت مؤمنان را محکم می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸: ۳۴۸) از این رو، تعجبی نیست اگر گفته شود «قوام و اساس شریعت اسلام، امر به معروف و نهی از منکر و برپاداشتن حدود الهی است.» (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳۲).

امام باقر(ع) در ضمن یک حدیث طولانی بیان می‌فرمایند که امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگی است که همه‌ی واجبات بر پایه‌ی آن استوار می‌گردند؛ این دو، راه انبیا و شیوه صالحان است که در آمدها بدان سبب حلال می‌شود و ستم‌ها دفع و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود. از این رو، به مردم سفارش می‌فرمایند که با قلب‌هایشان، منکر را زشت بشمارند و با زبان‌هایشان آن را بیان کنند و در این راه از سرزنش هیچ کسی، بیمی به خود راه ندهند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۵، ۵۵ و طوسی، ۱۳۶۵: ۶، ۱۸۰ و احسانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ۱۸۸).

امام صادق(ع) نیز تصریح می‌فرمایند که امر به معروف و نهی از منکر برای کسی که امکان انجام آن را داشته باشد، واجب است؛ چنین کسی نباید خود و یارانش در راستای انجام این فریضه، ترسی داشته باشند. (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶: ۱۳۵ و شیخ صدوق، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ۶۰۸).

شرایط امر به معروف و نهی از منکر و نقدی بر آن

انجام این دو فریضه در نظر بیشتر فقها موکول به شروط چهارگانه است؛ یعنی شخص امرکننده به معروف، باید نخست معروف و منکر را بشناسد؛ دوم اینکه احتمال تأثیر بدهد و مطمئن باشد که این کار او در مخاطب یا جامعه تأثیر گذار است؛ سوم مخاطب اصرار بر گناه داشته باشد و چهارم در مسیر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مفسده‌ای نداشته باشد. درباره‌ی این شروط و صحت نظرات فوق، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است.

درباره شرط نخست نمی‌توان بی‌اطلاعی و جهل را بهانه‌ای برای ترک این فریضه قرار داد؛ بلکه، باید در مسیر این شناخت قرار گرفت و موارد معروف و منکر را به سبب وجوب آن در قرآن، به دقت فرا گرفت. درباره شرط دوم نیز نمی‌توان تنها عدم تأثیر بر مخاطب را بهانه‌ای برای ترک این عمل قرار داد؛ بلکه ممکن است امر به معروف و نهی از منکر در مواردی بر مخاطب تأثیر نداشته باشد؛ اما آثار تخریبی دیگری همچون رواج بدعتها و شکستن قبح عقاید جامعه و عرف و هتک حرمت‌ها را به دنبال داشته باشد که در چنین مواردی سکوت جایز نیست؛ بلکه باید به انجام این فریضه مبادرت ورزید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره/۱۵۹). بنابراین کتمان بیّنات و دلایل روشنی هدایت بشری، لعنت خدا و نفرین اولیای او را به دنبال دارد. هر چند که برخی با استناد به آیه‌ی «فَذَكَرْ إِنَّ نَفْعَ الذِّكْرِ» (اعلیٰ/۹) معتقدند که در هر حالت چه تأثیر داشته باشد، چه نداشته باشد - انجام این فریضه برای جامعه سودمند است.

درباره شرط چهارم با استناد به آیه‌ی: «...وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...» (بقره/۱۹۵) اعتقاد عمومی بر این است که در صورت ترس از زیان مالی و جانی بر خود و یا دیگران، شرط وجوب ساقط می‌گردد. از مواردی که برای ساقط کردن این حکم استناد شده، آیه‌ی: «...إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يُقْتُلُونِي...» (اعراف/۱۵۰) می‌باشد که هارون برای حفظ جان خویش از تداوم نهی از منکر امتناع کرد. این تعمیم در همه موارد صحیح نیست؛ چرا که معروف و منکر از اموری است که از نظر شارع مقدس اهمیت فراوانی دارد؛ مانند حفظ اسلام، شعائر قرآن و احکام ضروری که باید با مقایسه اهم و مهم، مهم‌تر را در نظر گرفت و فقط

با استناد به آیه حفظ جان و دفع ضرر، وجوب امر به معروف و نهی از منکر برداشته نمی‌شود؛ بلکه باید برای حفظ موارد ضروری اسلامی جان یا جان‌های زیادی فدا شود. آیاتی نیز در قرآن در تأیید این مطلب آمده است؛ برای مثال، در آیه‌ی «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ...» (لقمان/۱۷) مراد از صبر، استقامت در برابر دشواری‌ها و رنج‌هایی است که در راه امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۶: ۳۵۹).

علاوه بر آیات، احادیثی که امر به معروف و نهی از منکر را جزء جهاد دانسته و نیز شهادت بسیاری از اولیای خدا در اجرای این فریضه، مؤید این مطلب است که در امور مهم و اساسی، مشکلات و مصیبت‌ها نمی‌توانند مانع امر به معروف و نهی از منکر شوند و یا سرباز زدن از آن را توجیه کنند.

برخی از جامعه‌شناسان و علمای سیاست انجام‌دادن این دو فریضه‌ی مهم قرآنی را نیازمند قدرت و تشکیلات مقتدر حکومتی می‌دانند و معتقدند اگر همه‌ی آحاد جامعه امر به معروف و نهی از منکر نمایند، جامعه دچار هرج و مرج و آشوب می‌گردد.

در نقد این نظر می‌توان گفت که اگر فقط صاحبان قدرت بخواهند امر به معروف و نهی از منکر کنند، ممکن است آرای شخصی و دولتی به خاطر مصلحت عمومی و کسب آرای بیشتر مردم در جهت رضایت آنان، در برابر منکرات چشم پوشی کند؛ در این صورت تکلیف چیست؟ آیا در نظام‌هایی که بر پایه‌ی دموکراسی است و رهبری ولی فقیه یا فقیه عادل را قبول ندارند یا از روی مصلحت و منافقانه قبول نمایند، می‌توان گفت که فقط صاحبان قدرت، امر به معروف و نهی از منکر کنند و دیگران به خاطر جلوگیری از هرج و مرج باید ساکت بنشینند، قطعاً چنین نظریه‌ای مردود است.

چون صاحبان قدرت در نظام‌های دموکراسی همیشه متکی بر رأی آحاد جامعه هستند؛ از سوی دیگر اکثر افراد جامعه را غافلان و مردمان بی‌اطلاع از این فریضه تشکیل می‌دهند، پس چگونه می‌توان هم‌رأی مردم را در نظر گرفت و هم به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر پرداخت. در چنین جوامعی معروف و منکر از جایگاه حقیقی و قرآنی خود تنزل پیدا می‌کند و معنای دلخواه مردم جامعه را به خود می‌گیرد. بنابراین تنها اموری زشت شمرده می‌شود که فهم انظار عمومی آن را زشت بدانند. در جای جای قرآن، عباراتی نظیر: «اکثرهم لایؤمنون»، «اکثرهم لایشعرون»، «اکثرهم لایعقلون» و «اکثرهم فاسقون» و... (رک: بقره/۱۰؛ آل عمران/۱۱۰؛ مائده/۱۰۳؛ انعام/۳۷ و ۱۱۱؛ اعراف/۲ و ۱۰۲ و ۱۳۱ و ۱۳۴؛ توبه/۸ و...) آمده است که این آیات معنا و تکلیف دموکراسی‌های غیردینی و جایگاه حقیقی آن را به زیبایی ترسیم می‌کند.

از سوی دیگر ممکن است بشر در بعضی از جوامع یا در زمان‌ها و حالت‌هایی به معنای حقیقی معروف و منکر دسترسی نداشته باشد یا معنای آن را نفهمیده باشد و یا کج فهمیده باشد؛ چرا که رسیدن به معنای صحیح امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و احادیث معصومین (ع) با کنکاش و بررسی‌های علمی و فقهی به دست می‌آید. حال آیا می‌توان گفت افرادی که برخوردار از رأی مردم هستند و قدرت جامعه را در اختیار دارند، بدون داشتن صلاحیت علمی و فقهی لازم تنها مرجع امر به معروف و نهی از منکر باشند؟! بدیهی است که آیات و روایات بر این نظریه خط بطلان کشیده است.

از سوی دیگر نظریه‌ای وجود دارد که اگر جان افراد به خطر بیفتد و یا مفسده مالی وجود داشته باشد،

می‌توان این فریضه را ترک کرد. بنابراین نظر، جریان امر به معروف ابوذر و نهی از منکر ایشان در زمان خلافت عثمان و تبعید او به «ربذه» که در نهایت مرگ او را غریبانه به همراه داشت، چگونه توجیه می‌شود؟ چرا با وجود سکوت بسیاری از صحابه، او نتوانست ساکت بماند؟! چرا با امر به معروف و نهی از منکر جان خود، آرامش خانواده و حقوق ماهیانه بیت‌المال را از دست داد؟ آیا می‌توان گفت که با امام خویش علی(ع) مخالفت کرده که قطعاً چنین نیست؛ چرا که بدرقه غریبانه امام علی(ع) و پسرانش و سلمان و تنی چند از یاران خاص، مهر تأییدی بر این عملکرد ابوذر است.

از دیگر حوادثی که این نظریه را رد می‌کند، جریان زندگی میثم تمار است و یا حادثه‌ی جان‌گداز کربلا و شهادت امام حسین(ع) و هفتاد و دو تن از بهترین یارانش و اسارت خاندان عصمت و طهارت که در راستای انجام امر به معروف و نهی از منکر رخ داده است.

بنابراین باید دید که معروف و منکر چیست و کدام معروف و کدام منکر است که فقط صاحبان قدرت باید آن را انجام دهند و کدام معروف و کدام منکر است که مؤمنان، و لو اندک و بدون قدرت، باید آن را انجام دهند و در راستای برپایی آن، نباید از بذل جان خویش دریغ ورزند؛ چرا که معروف می‌تواند در صورت محوشدن، به محو اسلام منتهی گردد و همین است که پیامبر(ص) فرمود: روزی برسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز شعار چیزی باقی نماند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۹۰)

۴- امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌شناسی

باور دانشمندان جامعه‌شناس مسلمان بر این است که دین مبین اسلام در باب اداره جامعه دارای مدلی جامع، کامل و کارآمد است. در این مدل کامل نظام‌ها و ساختارهای عالی در ارتباط معنی‌دار با یکدیگر طراحی و پیش‌بینی گردیده‌اند از جمله:

* نظام مدیریت و هدایت در تئوری امامت معصوم(ع) و ولایت فقیه توضیح و تبیین گردیده است.

* سازماندهی اجتماعی با تشکیلات تکرار شونده هسته‌های مساجد

* نظام اقتصادی با چارچوب‌های اصلی خمس، زکات، انفاق، قرض‌الحسنه و...

* نظام دفاعی و نظامی با تئوری جهاد با راهبرد بازدارندگی؛

که مجموع این نظام‌ها و نظایر آن در ارتباطی عمیق و برنامه‌ریزی شده، نظام حکومت اسلامی را شکل خواهد داد. یکی از نظام‌های مهم که در طراحی هر نظام و هر سیستم مدنظر قرار می‌گیرد، نظام کنترل و نظارت است. شکل‌گیری و تداوم حرکت و بقای سایر نظام‌ها و نظام کلی وابسته به آن است که در این ارتباط، اسلام یکی از کامل‌ترین مدل‌ها و الگوهای هدایت و نظارت را با کارکردهای اجتماعی و فردی معرفی نموده که همان نظام امر به معروف و نهی از منکر است که در واقع تضمینی جدی برای پاگیری و قوام سایر نظام‌ها و نهایتاً ایجاد و برقراری نظام اسلامی است که در این زمینه کلام مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) در دیدار با مسئولین و کارگزاران نظام در تاریخ ۷۹/۴/۱۹ اشاره به همین ویژگی دارد که می‌فرمایند: «قوام، رشد، کمال و صلاح وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است و اینهاست که نظام را جوان نگه می‌دارد.»

از نظر جامعه‌شناسی اسلامی؛ اسلام، مکتبی جامع و آیینی کامل است که هم برای ویژگی‌های زندگی فردی انسان و هم برای شکل‌دهی به روابط سالم اجتماع، برنامه‌ریزی کرده است. از طرفی، بیشتر دستورات دین، حتی در بخش‌هایی که به احکام عبادی و تنظیم رابطه‌ی فرد با خدایش پرداخته، از جنبه‌ای اجتماعی نیز برخوردار است.

رفتارهای شخصی افراد، گرچه در مرحله نخست تأثیر مستقیم بر روح و روان شخص برجای می‌گذارد، اما از محدوده ضمیر فرد فراتر می‌رود و به اجتماع نیز می‌رسد. خصوصیات فردی و خلقیات شخصی که در رفتار عضوی از جامعه ظاهر می‌شود، به‌سان موجودی متحرک عمل می‌کند و حصار محدود محل پیدایش خویش را درهم می‌شکند و در شاکله محیط اجتماعی به جریان می‌افتد.

آیین اسلام که در پی آراستن روان فردی انسان و ترسیم ساختار زندگی جمعی بر اساس فضائل اخلاقی است، برای کنترل این حرکت خزنده در کالبد اجتماعی اندیشیده و تمهیدات فراوانی مهیا کرده است که از جمله آنها می‌توان به دستور دینی «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره کرد.

بر اساس این وظیفه شرعی، هر کس علاوه بر مسؤولیت حفظ و کنترل خویشتن، در قبال دیگران نیز مسؤول است؛ به گونه‌ای که هر فرد جامعه اصلاح خود را در گرو تحقق صلاح محیط زندگی خود می‌داند. در حقیقت، یک فرد به منزله‌ی نگهبانی است که در جامعه بر برج و باروی مرزهای نیکی‌ها و پلیدی‌ها جای گرفته و برای تحقق خیر و صلاح عمومی پاس می‌دهد. او مکلف است که هر گونه لغزش همراهان را چون خطای خویش دانسته و به محض آگاهی و شناخت آن‌ها در صدد علاج برآید. اگر خوبی‌ها را مشاهده کرد، ترغیب و تأیید و همراهی نماید؛ «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...» (مائده/۲) و اگر رفتارها را در مسیر رشد و صلاح ندید، از آن‌ها دوری گزیده و حتی دیگران را از گرایش به آن سوی باز دارد؛ «...وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...» (مائده/۲)

انسان به‌طور طبیعی نیازمند زندگی جمعی است و اصطلاحاً «مدنی بالطبع» است؛ یعنی تن دادن به الزامات زندگی اجتماعی، جزء سرشت‌های ذاتی او است و به تعبیر ارسطو آنان که از مدینه خارجند؛ یا از ما برتراند و جزء فرشتگان، و یا از پست‌تراند و جزء درندگان. (فاستر، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۱۱).

بی‌تردید، این از ویژگی‌های آیین اسلام است که به‌جهت جاودانگی و همگانی بودن این دین و ضرورت پاسخگویی به تمامی مشکلات بشریت، به حل معضلات اخلاقی و رفتاری جامعه با تکلیف به فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. به‌عبارت دیگر، مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، کاملاً پدیده‌ای الهی می‌باشد و عمل به آن دواى دردهای فراوان اجتماعی است که تمدن‌های غربی به دلیل عدم برخورداری از آن به راه انحراف رفته‌اند. اما، چون این موضوع با فطرت انسانی و نیازهای دنیوی و اخروی انسان سازگاری دارد، بشر به‌سبب انجام ندادن این فریضه در رنج و نابسامانی اجتماعی گرفتار می‌شود. بنابراین به درمان جایگزین و البته غیراساسی و ناکارآمد دست می‌زند که نه تنها مشکلات و نیازهای خود را مرتفع نمی‌سازد بلکه به پیچیده‌تر شدن مشکلات اجتماعی کمک می‌کند. در همین راستا، «دور کیم» با مشاهده‌ی نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های اجتماعی در جامعه‌ی غربی «وفاق اجتماعی یا همبستگی اجتماعی را توصیه می‌کند تا از زوال و از هم‌گسیختگی مبانی و ارزش‌های جامعه جلوگیری

کند. این جامعه‌شناس غربی با مشاهده‌ی نابسامانی‌های اجتماعی این سؤال در ذهنش خطور کرد که چرا جامعه‌ی جدید غربی دچار بی‌نظمی و آسیب‌های اجتماعی شد. به بیان دیگر سؤال اساسی وی این بود که چه چیزی سبب می‌شود که جامعه حفظ شود و دچار اضمحلال و فروپاشیدگی نگردد. وی در این زمینه به این جواب دست یافت که «همبستگی اجتماعی» سبب می‌شود که جامعه قوام داشته باشد و دچار بی‌نظمی نگردد. زیرا در این نوع جامعه، افراد دارای اخلاقیات مشترکی هستند که همان وفاق اجتماعی بر سر ارزش‌ها و قواعد اخلاقی و پذیرش آن از سوی اکثریت افراد جامعه است؛ امری که باعث می‌شود افراد خاطی از این اخلاقیات مشترک به‌شدت مجازات شوند. (ریترز، ۱۳۷۱: ۷۵).

اما در جامعه جدید مشکل اساسی این است که هیچ‌گونه نظام اخلاقی مشترک و قوی وجود ندارد؛ چرا که مذهب در زندگی اجتماعی آحاد جامعه، رنگ باخته و فردگرایی رو به فزونی گذاشته است. به عبارت دیگر؛ «وفاق اجتماعی» که قبلاً باعث استحکام جامعه بوده، به سستی گراییده و به ضعف نظام مشترک اخلاقی منتهی می‌گردد.

با پدید آمدن چالش فقدان «همبستگی اجتماعی» در جوامع جدید اندیشمندان غیرمسلمان و عمدتاً غربی اشتباه بزرگتری را مرتکب شدند و در جستجوی یک همبستگی اجتماعی متفاوت در جامعه جدید هستند که منبع آن، ناشی از تفاوت افراد و اعتقاد به اخلاقیات صنفی و حرفه‌ای غیرمشترک است. به عبارت دیگر؛ در جامعه‌ی جدید تقسیم اجتماعی کار و نیاز متقابل افراد به یکدیگر باعث می‌شود که نظام اخلاقی مشترک حفظ گردد و جامعه - به زعم آنان - از یک کنترل اجتماعی برخوردار گردد. (پیشین، ۱۳۷۱: ۷۷).

اما، در حقیقت، فقدان فریضه‌ی الهی «امر به معروف و نهی از منکر» و منطبق بودن آن با نیازهای اجتماعی بشر، در کلام بعضی از اندیشمندان منصف غربی کاملاً هویداست؛ چرا که بالاخره علم در نهایت به نیازهای اساسی و ارتباط دوسویه با ایمان و دستورات ناب الهی منطبق با فطرت پی می‌برد؛ به‌طوری که «مایکل کوک» نویسنده و محقق برجسته‌ی آمریکایی بر این امر تأکید دارد. وی معتقد است که «فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف هر مسلمان را در سراسر جهان برای بازداري مردم از زیر پا گذاشتن قانون خداوند روشن می‌سازد و در اثر ارزشمند خود در موضوع امر به معروف و نهی از منکر که نگارش آن به گفته‌ی خود او پانزده سال طول کشیده و برگزیده چندین جایزه بین‌المللی کتاب است، به بررسی این فریضه در قرآن و حدیث و همچنین در نزد متفکران مختلف از اهل سنت و شیعه می‌پردازد. صفحه نخست این کتاب با ذکر حادثه‌ای آغاز می‌شود؛ به این صورت که: «در شب پنج‌شنبه ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸، یک زن در ایستگاه قطار محلی در شیکاگو در حضور چندین تن مورد تجاوز قرار گرفت. سیمای برجسته این رویداد این بود که هیچ‌کس برای یاری به وی واکنشی از خود نشان نداد و به فریادهای او که از آنان یاری می‌خواست، توجهی نکرد. سپس گزارش روزنامه «شیکاگو تریبون» و «تایمز» را منعکس می‌کند که تماشاگران که شمارشان زیاد بود، به سادگی ایستاده بودند و گذاشتند چنین اتفاقی بیفتد؛ حتی وقتی قطار سر می‌رسد، سوار شده و به راه خود می‌روند.

مایکل کوک در ادامه می‌نویسد: کسی نمی‌تواند درست کناری بایستد و فردی را به چشم ببیند - حتی اگر آن فرد بیگانه‌ی بیگانه باشد - که این‌گونه با او رفتار می‌شود. باید کسی کاری کند و واکنشی از خود

نشان دهد و یا دلیل خاصی برای عدم اقدام داشته باشد. به سخن دیگر؛ مفهوم روشنی داریم که گونه‌ای وظیفه است. با آن که در زندگی روزانه ما نامی از این وظیفه نداریم... این ارزش است... خواه درک کنیم یا نه؛ ولی در حقیقت کاملاً خوب می‌فهمیم که فرهنگ‌مان نیاز هیچ طرز گفتار ساخته و پرداخته‌ای از درک‌مان را برطرف نمی‌سازد.

آن‌گاه مایکل کوک نتیجه می‌گیرد که در فرهنگ غربی جای چنین وظیفه‌ای خالی است و نهایتاً گم‌شده خویش را در فرهنگ اسلامی پیدا می‌کند. «من تا هنگامی که برای پژوهش در اسلام کار نکرده بودم، از این مسأله آگاهی نداشتم. برعکس غرب، اسلام برای وظیفه اخلاقی گسترده از این دست، هم نام دارد و هم آموزه؛ این نام، امر به معروف و نهی از منکر است» (کوک، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۹-۳۳).

شهید مطهری از این اصل به عنوان «اصل فراموش شده» یاد می‌کند و معتقد است که در یک قرن اخیر، این اصل در کتاب‌ها به صورت تفصیلی مورد بحث قرار نگرفته است (مطهری، بی تا: ۶۱).

از سوی دیگر، به باور ما، امام خمینی (رحمة الله علیه) اولین عالمی است که در متون فقهی اخیر و کتب فتوایی، سنت پرداختن دوباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر را احیا نموده است.

۵- نتیجه

در این مقاله با توجه به مفهوم امر به معروف و نهی از منکر بیان شد که این دو فریضه، اساسی‌ترین و کارآمدترین شیوه برای نظارت اجتماعی محسوب می‌گردند. از سوی دیگر با تجزیه و تحلیل آیات و احادیث به این نتیجه رسیدیم که اسلام با تشریح این دو فریضه دینی می‌خواهد طوری به تربیت افراد جامعه بپردازد که همه‌ی افراد جامعه نسبت به یکدیگر احساس مسؤولیت کنند. به عقیده ما با توجه به یافته‌های این مقاله می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- امر به معروف و نهی از منکر از سوی انظار عمومی و آحاد مؤمنان در جامعه اسلامی در صورت جمع شدن شرایط آن، نه تنها باعث هرج و مرج و آشوب‌طلبی نمی‌شود، بلکه باعث استحکام پایه‌ها و باورهای اسلامی می‌گردد.

۲- عدم تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مخاطب، نمی‌تواند بهانه و توجیهی برای ترک این عمل باشد؛ بلکه ممکن است این دو فریضه در مواردی بر مخاطب تأثیر نداشته باشد، ولی آثار تخریبی دیگری همچون رواج بدعت‌ها و شکستن قبح منکرات و هتک حرمت‌ها را به دنبال داشته باشد.

۳- هر چند یکی از شروط اقامه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، داشتن قدرت عنوان شده است؛ ولی این بدان معنی نیست که فقط صاحبان قدرت و حکومت، صلاحیت انجام این دو فریضه را دارند و بقیه‌ی مؤمنان از انجام این دو فریضه سرباز زنند؛ چرا که ممکن است گاهی صاحبان قدرت برای رسیدن به آرای بیشتر مردم، منکرات را در جامعه توجیه کنند و یا در برابر آن چشم‌پوشی کنند.

۴- آیین اسلام که در پی آراستن روان فردی انسان و ترسیم ساختار زندگی جمعی بر اساس فضائل اخلاقی است، برای کنترل این حرکت خزنده در کالبد اجتماعی اندیشیده و تمهیدات فراوانی مهیا کرده

است که از جمله آنها می‌توان به دستور دینی «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره کرد؛ بر اساس این وظیفه شرعی، هر کس علاوه بر مسؤولیت حفظ و کنترل خویشتن، در قبال دیگران نیز مسؤول است؛ به گونه‌ای که هر فرد جامعه، اصلاح خود را در گرو تحقق اصلاح محیط زندگی خود می‌داند.

۵- فقدان فریضه‌ی الهی «امر به معروف و نهی از منکر» و منطبق بودن آن با نیازهای اجتماعی بشر، در کلام بعضی از اندیشمندان منصف غربی کاملاً هویداست؛ چرا که بالاخره علم در نهایت به نیازهای اساسی و ارتباط دوسویه با ایمان و دستورات ناب الهی منطبق با فطرت پی‌می‌برد هر چند که هم‌اکنون، در فرهنگ غربی جای چنین وظیفه‌ای خالی است ولی نهایتاً گمشده خویش را در فرهنگ اسلامی پیدا می‌کند.

منابع

قرآن کریم.

- آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)؛ *غرر الحکم و درر الکلام*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول.
- ابن شهر آشوب، محمد (۱۴۱۰ق)؛ *متشابه القرآن و مختلفه*، قم، انتشارات بیدار، چاپ اول.
- ابن شهر آشوب، محمد، (۱۳۷۹ق)؛ *المناقب*، قم، مؤسسه‌ی انتشارات علامه.
- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق)؛ *عوالی اللالی*، قم، انتشارات سید الشهداء، چاپ اول.
- احمدی، حبیب (۱۳۷۸)؛ *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران، نشر سمت، چاپ دوم.
- البرقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)؛ *المحاسن*، قم، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)؛ *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- حسینی استرآبادی، سیدشرف الدین (۱۴۰۹ق)؛ *تأویل الآیات*، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین، چاپ اول.
- حلی، علامه حسن (۱۴۰۹ق)؛ *الألفین*، قم، انتشارات دار الهجرت، چاپ دوم.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق)؛ *فقه القرآن*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ دوم.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۱)؛ *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی احمد رضا غروی‌زاد، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۳)؛ *جامعه‌شناسی انحرافات*، گناباد، نشر مرندیز، چاپ سوم.
- صدوق، شیخ محمد (۱۴۰۳ق)؛ *الخصال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)؛ *پر توی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.

- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)؛ مشکاة الانوار، نجف، کتابخانه حیدریه، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)؛ **التهدیب**، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق احمد قصیر العاملی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹ق)؛ وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول.
- عروسی الحویزی، عبدالعلی ابن جمعه (۱۴۱۵ق)؛ **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق سیده‌هاشم رسولی محلاتی، قم، چاپ چهارم.
- فاستر، مایکل (۱۳۸۸)؛ **خداوندان اندیشه سیاسی**، ترجمه‌ی علی رامین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- فضل الله، سید محمد حسن (۱۴۱۹ق)؛ **تفسیر من وحی القرآن**، دار الملائک للطباعة و النشر، چاپ دوم.
- قطب، سید، (۱۴۱۲ق)؛ **فی ظلال القرآن**، بیروت، دار الشروق، چاپ هفدهم.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)؛ **تفسیر القمی**، مؤسسه دارالکتاب، چاپ سوم.
- کلینی رازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)؛ **الکافی**، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- کورز، لوئیس (۱۳۸۰)؛ **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- کوفی، فرات بن ابراهیم بن فرات (۱۴۱۰ق)؛ **تفسیر الفرات**، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- کوک، مایکل (۱۳۸۴)؛ **امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی**، ترجمه احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)؛ **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محلی، جلال‌الدین و سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۶ق)؛ **تفسیر الجلالین**، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (بی تا)؛ **ده گفتار**، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.
- مفید، شیخ محمد (۱۴۱۳ق)؛ **المقنعه**، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
- میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۲)؛ **مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران**، تهران، نشر فرهنگ گفتمان، چاپ اول.
- نوری، محدث (۱۴۰۸ق)؛ **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول.